

# ده دقیقه‌ها

کتاب، مادر تمدن‌ها  
و نیز عصاره آن‌ها است

بعد از ۱۰ روز مطالعه‌ی ۱۰ دقیقه‌ای  
قدم رو پُذ کنید و بفروستید  
به آیدی ارتباطات 



## کتاب تاریخ مستطاب آمریکا

یک کشف ضروری

معمولا آدم‌ها فکر می‌کنند تاریخ آمریکا از آن‌جا شروع می‌شود که کلمب قاره‌ی آمریکا را کشف کرد. اما مشکل این‌جاست که؛ تاریخ آمریکا اصلا از این نقطه شروع نشده! هنگامی که پای کلمب به آن‌جا رسید، میلیون‌ها آدم در آن سرزمین زندگی می‌کردند و تمدن‌ها و شهرهایی ساخته بودند از الان آمریکا بهتر! آن‌هایی که باورشان نمی‌شود بروند و درباره‌ی تمدن مایا، آزتک و اینکا جست‌وجویی بکنند تا گوشی دستشان بیاید!

اما چه سری است در این ماجرا که همه، اروپایی‌ها را کاشف سرزمین سرخ‌پوستان می‌دانند، خدا عالم است.

اروپایی‌ها به دلایل بشردوستانه و دموکراتیک، میلیون‌ها آدمی را که قبل از کلمب و رفقاییش، آمریکا را دیده و در آن زندگی کرده

و بالا و پایینش را عین کف دست می‌شناختند، از مسئولیت سنگین آدم بودن معاف کردند!

شما می‌توانید به حرف‌هایی که پشت سر کلمب می‌زنند بی‌توجه باشید. حرف‌هایی مثل اینکه کلمب با زنش اختلاف داشته و پس از قهر، چند کشتی برداشته و رفته تا آمریکا را کشف کرده، یا اینکه کلمب یک موجود پول‌پرست و طمع‌کار بوده و برای پرکردن جیب‌هایش دست به این اکتشاف زده. از آن‌جا که او مدتی بیکار بوده (بعضی‌ها می‌گویند زندان بوده و برای حفظ آبرویش ادعای بیکاری و خانه‌نشینی کرده) نشست و نقشه‌های جهان آن روز را هی نگاه کرد تا به این نتیجه رسید که مگر می‌شود دنیا باشد و آمریکا نداشته باشد؟

## اولین گام برای پرداخت حقوق بشر.

همین که پای کلمب به اولین جزیره‌ی قاره‌ی آمریکا رسید، اجرای حقوق بشر را شروع کرد.

کلمب در خاطراتش نوشته: همین که به اولین جزیره‌ی سرزمین جدید رسیدم عده‌ای از بومیان را اسیر کردم تا قدرتم را به آنان نشان دهم.

اولین گام کلمب برای آشناسازی بومیان سرزمین جدید با حقوق بشر، فهماندن نسبت "طلا و مس" به آن‌ها بود! او و یارانش همه‌ی بومیان بالای ۱۵ سال جزیره‌ی کیکائو در آمریکای مرکزی را مجبور کردند تا هر سه ماه مقداری معین طلا جمع‌آوری کرده و به کلمب تحویل بدهند و به جای آن حلقه‌ای مسی به گردن‌شان آویزان کنند. آن وقت هر سرخ‌پوست بالای ۱۵ سالی که گردنش فاقد حلقه‌ی مسی بود؛ به صورتی مختصر

جریمه می‌شد. جریمه‌اش هم این بود که یک دستش را قطع می‌کردند تا از خون‌ریزی بمیرد.

البته قبول دارید که برای یک بومی که نتوانسته رابطه‌ی میان "طلا و مس" را درک کند جریمه‌ی زیادی نیست!

باید اذعان کرد اروپایی‌هایی که از اسپانیا و انگلستان و... به آمریکا مهاجرت می‌کردند (اجداد آمریکایی‌های امروز)، یکی از سنگین‌ترین مسئولیت‌های تاریخی جهان را بر عهده گرفته بودند.

فاتحان قاره‌ی جدید نشستند و فکر کردند و در نهایت روش‌های ابتکاری و خلاقانه‌ای برای فرو کردن دموکراسی در کله‌ی بومیان پیدا کردند. روش‌هایی مثل آنچه در فوریه‌ی ۱۶۴۳ در منتهن جنوبی به ذهن بعضی از نظامیان اروپایی رسید. آن‌ها شبانه به سرخ‌پوستان آگون حمله کرده و بسیاری از آن‌ها را در خواب به قتل رساندند. فرزندان شیرخوار را از آغوش مادران‌شان جدا کرده

و در برابر چشمان والدین شان با شمشیر تکه تکه کرده و به آتش انداختند و بچه‌هایی که در گهواره بودند را مورد همین مرحمت قرار دادند!

یا مثلا کاپیتان جان میسون در مسیر خود برای تصاحب زمین‌های جدید، به قبیله‌ی پکوئوت رسید. سرخ‌پوستان پکوئوت با خوشحالی از کاپیتان میسون استقبال کردند، اما افراد میسون مامورانی وظیفه‌شناس بودند که بنا نبود وظیفه‌ی مقدس‌شان تحت تاثیر احساسات قرار بگیرد. دستور کاپیتان میسون روشن و صریح بود! نیروهای میسون به جای جنگ با مردان قبیله (که موجب کشتار بیشتری می‌شد) چادرهای قبیله را آتش زدند و زنان و کودکان سرخ‌پوستی را که از آتش فرار می‌کردند با شمشیر می‌کشتند. نتیجه البته به نفع تمدن تمام شد! حدود چهارصد زن و کودک سرخ‌پوست در آتش کباب شدند و بوی سوختگی منطقه را فرا گرفت!

البته شما هنگامی قادر به اندازه‌گیری عمق اصلاحات در قاره‌ی آمریکا خواهید شد که؛ بدانید طی یک قرن پس از ورود اروپایی‌ها به این قاره، ۷۵ میلیون سرخ‌پوست، مشمول اصلاحات عمیق شده و جای خود را به ۲۴۰ هزار مهاجر اروپایی دادند.

## کاکاسیاهای آویزان به تمدن

آمریکا هنوز از دردسر سرخ‌پوست‌ها خلاص نشده بود که با دردسر جدیدی روبه‌رو شد، سیاه‌پوست‌ها! از قضا آن‌ها هم مثل سرخ‌پوست‌ها وحشی و بی‌تمدن بودند و آدم کردن آن‌ها معضل جدیدی بود.

ممکن است بپرسید چرا آمریکایی‌ها این همه برای خودشان دردسر می‌تراشیدند؟ و جواب هم این است که آمریکا از همان اول یک رسالت بزرگ تاریخی بر دوش خود احساس می‌کرد و آن آشنا کردن جهان \_مخصوصا ملت‌ها و جوامع وحشی\_ با تمدن، آزادی، حقوق بشر، دموکراسی، و خیلی چیزهای خوب و مفید دیگر مثل همبرگر، نوشابه‌های گازدار، بمب اتم، کشتی کج و... بود.



اهلی کردن کاکاسیاه‌ها از زمانی آغاز شد که آمریکایی‌ها \_ و قبل از آن اجداد اروپایی‌شان\_ از وجود میلیون‌ها موجود وحشی و سیاه در آفریقا باخبر شدند.

ادم کردن سیاه‌پوست‌ها \_ که آمریکایی‌ها به واسطه‌ی محبت، آن‌ها را کاکاسیاه صدا می‌کردند\_ شامل چند مرحله می‌شد:

مرحله‌ی اول تور کردن

برای درک عمق زحمات و تلاش‌های شکارچیان برده کافیس‌ت بدانیم طی چهار قرن، حدود پنجاه میلیون سیاه را شکار و به سواحل غربی آفریقا هدایت کردند!

مرحله دوم کشف استعداد

هنگامی که سیاهان شکار شده به سواحل غرب آفریقا می‌رسند، آن‌ها را \_ اعم از زن و مرد\_ کاملاً برهنه کرده و بدن‌هایشان را معاینه می‌کنند تا عیب و نقصی نداشته باشند. بعد سینه‌ی

سیاهان سالم را با ابزاری آهنی که در آتش سرخ شده داغ می‌کنند تا مشخص شود این سیاه جزء اموال چه کسی محسوب می‌شود.

مرحله سوم: حمل استعدادها

برده‌ها را در انبارهای کشتی‌های ویژه‌ی حمل برده جا می‌دادند. در طبقاتی که ارتفاع هر یک فقط ۵۰ سانتی‌متر بود و هر برده در جای خودش که مثل یک تابوت بود زنجیر می‌شد، به صورتی که نمی‌توانستند غلت بزنند یا به پهلو بخوابند و معمولاً پاها و گردنشان به کف انبار زنجیر می‌شد و چون زنجیرها در روز یک بار بیشتر باز نمی‌شد، معمولاً محوطه انبار از ادار و مدفوع بردگان انباشه می‌شد و بسیاری از برده‌ها به همین دلیل دچار مرگ یا جنون می‌شدند.

مرحله‌ی چهارم: توزیع استعدادها

این مرحله با برهنه کردن مجدد برگان شروع می‌شد. در این مرحله مهم‌ترین تحول در زندگی یک کاکاسیاه رخ می‌داد؛ او فرصت پیدا می‌کرد تا در کنار یک خانواده‌ی متمدن کار کند و شلاق بخورد تا آدم شود.

بر اساس قانون؛ برده جزء اموال صاحبش محسوب می‌شد و یک برده‌دار همانطور که اختیار داشت غازش را سر ببرد یا قاطرش را شلاق بزند و از اسبش کار بکشد، حق داشت به زندگی برده‌اش خاتمه بدهد، او را با شلاق ادب کند و از او کار بکشد.

قانون گذاران آمریکا به دلایل منطقی \_ حیوان بودن سیاهان \_ چنین قانونی را وضع و بیش از ۳ قرن اجرا کردند.

مرحله‌ی پنجم: بردگی مدرسه‌ی تمدن

برای این که تصور دقیقی از رنج و زحمتی که ارباب‌های آمریکایی برای تربیت کردن برده‌های سیاه متحمل می‌شدند داشته باشید،

کافیست محاسبه کنید شلاق روزانه ۱۰۰ تا ۵۰۰ برده، آن هم به  
قاعده هر یک ۱۵۰ تا ۲۰۰ شلاق، چه قدر کار پرزحمتی است!

## آمریکا و صادرات حقوق بشر و دموکراسی

### مکزیک اولین هدف آزمایشی

واقعیت آن بود که مقامات ایالات متحده از همسایگی با کشوری مثل مکزیک خجالت می‌کشیدند! چون بویی از دموکراسی و حقوق بشر نبرده بود و برای جبران همین نقیصه، در سال ۱۸۴۷ وارد جنگ با مکزیک شدند. یک ستوان پیاده نظام آمریکایی در نامه‌ای مراحل آموزش حقوق بشر و آزادی توسط ارتش آمریکا به مردم مکزیک را این‌گونه توصیف کرده است: ژنرال لین به ما دستور داد هر کاری می‌توانیم بکنیم. سربازان ما پس از نوشیدن مشروب و مست شدن به مکزیکی‌ها حمله‌ور شدند. آن‌ها زنان و دختران مکزیکی را برهنه کرده و مورد تجاوز قرار دادند و مردان مکزیکی را هم دسته دسته تیرباران کردند. خانه‌های مردم و کلیساها و هرچه به دست‌شان رسید را غارت کردند. اجساد انسان‌ها روی هم انباشته شده بود! این واقعه باعث شد تا از آمریکایی بودن خودم خجالت بکشم.

البته این افسر جوان و خجالتی، شکسته‌نفسی کرده! و آلا صدور  
دموکراسی که خجالت ندارد!

گام دوم: فیلیپین

خبرنگار نشریه‌ی آمریکایی؛ لجر فیلا دلفیا هم در نوامبر سال  
۱۹۰۱ درباره‌ی نحوه‌ی آموزش تمدن به مردم فیلیپین چنین  
گزارش داده است: سربازان ما در فیلیپین بسیار خشن و  
بی‌رحم‌اند و به قصد نسل‌کشی، مردم این کشور را می‌کشند. در  
بین کشته شده‌ها از مرد و زن و کودک گرفته تا زندانیان و اسرا  
و شورشیان و هر کسی که بیش از ۱۰ سال سن داشته و  
مشکوک به شورش بوده، می‌توان یافت. سربازان ما به فیلیپینی‌ها  
به چشم سگ نگاه می‌کنند و برای گرفتن اعتراف از این مردم،  
به آن‌ها شکنجه‌های جنسی می‌دهند و افرادی که خود را  
مسالمت‌آمیز تسلیم کرده‌اند، به نام شورشی تیرباران کرده و به  
رودخانه می‌اندازند تا موجب عبرت کسانی شوند که در  
پایین دست رودخانه‌ها زندگی می‌کنند.

## جنگ جهانی دوم

آمریکا در جنگ جهانی دوم جز خدمت به صلح و تلاش برای خاتمه‌ی جنگ کاری نکرد. مثلاً انگیزه‌ی آمریکا از بمباران اتمی شهرهای هیروشیما و ناگازاکی در ژاپن چه می‌توانست باشد؛ جز متقاعد کردن ژاپنی‌های جنگ‌طلب به قبول صلح و آتش‌بس؟ هرچند در حملات بیش از ۱۵۰ هزار نفر درجا تبخیر شدند و همین تعداد هم به تدریج و ذره ذره آب شدند تا بمیرند. اما اگر بدانید رئیس‌جمهور آمریکا با چشمانی اشک‌بار و دلی پر خون دستور این حملات را صادر کرد( آن هم برا وادار کردن جنگ‌طلبان ژاپنی به خاتمه‌ی جنگ) نظرتان عوض خواهد شد، چون جنگ‌طلبی ژاپن زیر سر بچه‌ها و زن‌ها و سایر شهروندان غیرنظامی دو شهر هیروشیما و ناگازاکی بود و اگر آن‌ها تبخیر نمی‌شدند، معلوم نبود جنگ دوم جهانی کی تمام شود.

در همین راستا نیروی هوایی آمریکا به مناطق مسکونی آلمان نیز با استفاده از بمب‌های فسفری و آتش‌زا حمله کرد و فقط در شهری مثل درسدن صدهزار نفر از غیرنظامیان جزغاله شدند. این حملات نیز دقیقا با همان استدلال صلح‌طلبانه رخ داد.



## ویتنام، ویتترین تمدن آمریکایی

سر عقل آوردن مردم ویتنام و آموزش بدیهیات تمدن به آن‌ها حدود هشت سال طول کشید (۱۹۶۴ تا ۱۹۷۲). و در این مدت ارتش و دولت آمریکا برای متمدن کردن ویتنامی‌ها زحماتی کشیدند و فداکاری‌هایی کردند که زبان و قلم و تاریخ از بیان‌شان عاجز است.

دستور بود که حتی مرغ‌های روستای می‌لای نباید زنده بمانند. اول ساکنان را در وسط دهکده جمع کردیم و بعد سرهنگ میچل دستور آتش داد. از طرف روستا هیچ خطری متوجه ما نبود. چون در آن‌جا هیچ مرد یا حتی پسر جوانی وجود نداشت و فقط تعدادی زن و بچه و افراد پیر در روستا مانده بودند. اول خانه‌ها را آتش زدیم و بعد هنگامی که بچه‌ها و زن‌ها باگریه و ترس از خانه بیرون می‌دویدند آن‌ها را می‌کشتیم. خیلی از مادرها سعی می‌کردند بچه‌هایشان را بغل کنند و مانع تیر خوردن آن‌ها شوند، اما فایده‌ای نداشت و ما بعد کشتن مادرها، بچه‌ها را

به گلوله می‌بستیم. وقتی کارمان تمام شد نشستیم تا غذا بخوریم، اما ناله‌ی زخمی‌ها مزاحم استراحت‌مان بود و مجبور شدیم بلند شویم و همه‌ی زخمی‌ها را راحت کنیم و بعد به غذا خوردن ادامه بدهیم. ناگهان صدای گریه‌ی بچه‌ای بلند شد و به دنبال پیدا کردن مادرش به سمت انبوه جنازه‌ها رفت. یکی از سربازها او را نشانه گرفت و با ۶ تیر کارش را ساخت... .

کاموج و لائوس، نیکاراگوئه، گرانادا، پاناما، کوبا، سومالی، سودان، افغانستان، عراق و.... از دیگر کشورهایی بودند که این توفیق را داشتند که میزبان تمدن آمریکایی باشند.

# جای خالی را با کتاب پر کنید

خیلی از دوستانمون هستن که دلشون می‌خواد

مثل همه‌ی ما کتاب بخونن ...

اما شرایط تهیه و خرید کتاب رو ندارن:

می‌خواهیم با کمک شما براشون کتاب بفرستیم.

شما هم می‌تونید تو این راه کمک‌مون کنید.

فقط کافیه وارد درگاه بشید و مبلغ مورد نظرتون

رو واریز کنید، بعدش هم فیش واریزی رو

برامون بفرستید اینجا: @p\_namaktab

@namaktab\_ir

